

عنوان: بررسی نقش سیاستهای کنترل قیمت در نوع آوری، کار آفرینی و توسعه اقتصادی - نویسنده: امیرعباس

فیزی - موسسه: سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان - ایمیل: amirfeizi@yahoo.com

چکیده:

مسئله دخالت دولتها در قیمت گذاری همواره مورد بحث کارشناسان و اقتصاد دانان بوده و نظریه های مختلفی توسط طرفداران اقتصاد بسته و مخالفان دخالت دولت در قیمت گذاری (اقتصاد باز) مطرح گردیده است. بطور کلی نقش دولت در نحوه مواجهه با اجرای سیاستهای کنترلی قیمت در توسعه و رشد صنایع ملی و نوع آوری، کار آفرینی و توسعه اقتصادی و یا در نابودی و عدم رقابتی نمودن صنایع و عقب ماندگی اقتصادی بسیار تعیین کننده می باشد. البته عدم دخالت دولت در قیمت گذاری و عدم توجه ویژه به شرایط قیمت کالاها و خدمات در مقاطع مختلفی از قبیل: وقوع بلایای طبیعی، جنگ و غیره آثار بسیار زیان بار بر جای می گذارد و چه بسا به نارضایتی عمومی نیز بیانجامد. در شرایط غیر عادی دولتها بعنوان سیاستگذار اصلی عرصه اقتصاد از عموم مردم بخصوص قشر آسیب پذیر در برابر نوسانات غیر منطقی قیمت کالاها و خدمات و کنترل تورم با ابزارهای مختلفی همانند پرداخت یارانه، جلوگیری از افزایش قیمت کالاها و خدمات حمایتهای لازم را انجام داده و در برقراری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد نقش تعیین کننده ای دارند. مطالعه تاریخ اقتصاد کشور ایران در بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی بیانگر حضور دولتها در بازار و توجه ویژه دولتمردان به قیمت گذاری کالاها و خدمات در مقاطع مختلفی همانند دوران دفاع مقدس، دوره سازندگی و دوره اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها بوده است.

از آنجاییکه دخالت دولتها در قیمت گذاری در شرایط عادی قابل توجیه نبوده و این امر تبعات مختلفی از قبیل عدم رقابت پذیر شدن تولید ملی در عرصه بین المللی، کاهش انگیزه بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری در حوزه تولید و عدم نوع آوری و عدم توسعه یافتگی را به همراه دارد و به دلیل بورا کراسی موجود در سیستم قیمت گذاری توسط دولت و عدم توجه به مکانیسم عرضه و تقاضای بازار، موفقیت دولت در دستیابی به هدف رساندن کالای ارزان قیمت به مصرف کننده را با تردید هایی روبه رو می سازد و استمرار در روند موجود، موجبات کاهش عرضه به دلیل عدم رغبت تولید کننده با قیمت مورد نظر دولت را به همراه داشته و نتیجتاً به دلیل فقدان حضور بخش خصوصی به توسعه نیافتگی اقتصاد منجر خواهد شد.

از این رو سعی شده است ضمن تبیین کارشناسی و تشریح نقش سازمانهای کنترلی در جهت دسترسی به اهداف سیاستهای اقتصاد مقاومتی با رویکرد افزایش تولید داخلی بمنظور دستیابی به بازارهای بین المللی با نوع آوری در تولید و شیوه های تولید، جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی بمنظور کار آفرینی، شفاف سازی و سالم سازی اقتصاد و توسعه اقتصادی و نظام توزیع و قیمت گذاری، بکارگیری شیوه های روز آمد نظارت بر بازار به همراه برخی مزایا و معایب دخالت دولت در قیمت گذاری مورد بررسی قرار گرفته است

کلید واژه ها: اقتصاد دستوری و باز، توسعه اقتصادی، قیمت گذاری، سازمانهای کنترلی، اقتصاد مقاومتی

مقدمه:

از گذشته های بسیار دور اقتصاد دانان همواره مسئله دخالت در قیمت گذاری را مورد نقد و بررسی قرار داده اند و امروزه دخالت دولتها برای ایجاد توسعه و پیشرفت عادلانه امری اجتناب ناپذیر میباشد، البته ذکر این نکته که تعیین حدود و اندازه دخالت دولت در قیمت گذاری نیز قابل بررسی بوده و بر اساس شرایط اقتصادی خاص، مسئله دخالت یا عدم دخالت دولت در قیمت گذاری میتواند آثار مثبت و منفی بر اقتصاد یک کشور داشته باشد. بطور کلی دو نوع دیدگاه در این زمینه تحت عنوان آزادی اقتصادی و اقتصاد دستوری موجود می باشد

بنیان نظریه آزادی اقتصادی یا لیبرالیسم اقتصادی¹ بر این پایه استوار میباشد که تصمیمات اقتصادی تا بیشترین حد ممکن میبایست توسط بخش خصوصی و فعالان عرصه اقتصاد اتخاذ گردد و نهادها یا سازمانهای دولتی کمترین دخالت را در امور اقتصادی ایفا نمایند.

این باور و اعتقاد بر مبنای حمایت کلی از اقتصاد بازار و مالکیت خصوصی در مسایل خرد و کلان اقتصادی از جمله امور مربوط به تولید میباشد، هر چند که لیبرالیسم اقتصادی میتواند تا حد معینی حمایت کننده مقررات و قوانین دولتی باشد ولی زمانی که دخالت دولت در بازار موجب ایجاد محدودیت در تجارت آزاد و رقابت شود، با آن مخالفت می نماید به عبارتی از نظر دیدگاه کلاسیک دولت باید حداقل مداخله را در امور اقتصادی داشته باشد.

البته این گروه خواهان نامحدود نشدن بازار به وسیله دولت هستند و معتقد هستند که دولت نقش اساسی در تامین کالاهای عمومی دارد در مقابل، گروهی نیز طرفدار اقتصاد دستوری هستند که درست نقطه مقابل نظریه آزادی اقتصادی میباشد. دیدگاه اقتصاد دستوری که در برابر اقتصاد باز مطرح گردیده است به نظام اقتصادی اطلاق میشود که بر اساس دستور یک نهاد یا سازمان غیر خصوصی شکل گرفته و مجری سیاستهای دولت میباشد و عمدتاً شامل نظامهایی نظیر نظام اقتصادی سوسیالیستی و اقتصاد دولتی میباشد.² (وود آلن، 1381، ص 71)

بطور کلی اقتصاد دستوری که همان قیمت گذاری دستوری میباشد، طرفداران اقتصاد دستوری بر این باور هستند که با ورود دولت به عرصه قیمت گذاری از تحمیل فشار مضاعف در برابر نوسانات قیمتها به مصرف کنندگان جلوگیری بعمل می آید.

با توجه به حساسیت موضوع دخالت دولت در قیمت گذاری و تاثیر آن در روند رشد و توسعه بخشهای مختلف اقتصادی از حیث اینکه سیاست قیمت گذاری می تواند بر حسب توان و بازده اقتصادی در آن حوزه ضمن تامین نیاز مصرف کنندگان

1)_ economic liberalism

مسیر رشد و شکوفایی را در پیش بگیرد و منجر به توسعه اقتصادی و کار آفرینی^۳ و یا موجب نابودی بنگاههای اقتصادی گردیده و سود آوری تولید و صنعت را دچار اختلال نماید. یکی از بارزترین نمونه های دخالت دولت در امور اقتصادی، اقتصاد دستوری و یا کنترل قیمت کالا و خدمات می باشد، البته دخالت دولتها در امور اقتصادی پدیده ی جدیدی نبوده و مطالعه تاریخ کشورهای مختلف بیانگر این موضوع بوده است بطوریکه طبق بررسیهای بعمل آمده سابقه دولت در قیمت گذاری به قرون وسطی در خصوص پایین آوردن قیمت نان بوده است.

با گسترش روابط اقتصادی و پررنگ تر شدن نقش مردم و بخش خصوصی در امور اقتصادی، دولتها سعی داشته اند از دخالت در قیمت گذاری پرهیز نموده و صرفاً در شرایط خاص همانند بلایای طبیعی، جنگ و غیره به تعیین قیمت کالا و خدمات بپردازند.

در کشور ما دولتها همواره در امور قیمت گذاری نقش تعیین کننده ای ایفا نموده اند و در برخی مواقع بدلیل شرایط نامطلوب اقتصادی از جمله: دوران جنگ تحمیلی و سالهای پس از آن، دوران اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها، و شرایط تحریم های خصمانه بین المللی و رکود اقتصادی از دلایل توجیه کننده ورود دولت به بازار و تعیین قیمت کالاها و خدمات بوده است و در طول این مدت نقش اساسی دولت جلوگیری از افزایش غیر متعارف کالاها و خدمات و کنترل نرخ تورم با ابزارهای مختلفی همانند پرداخت یارانه، اجرای سیستم کوپنی، حضور پر رنگ در بازار توسط دستگاههای نظارتی و بازرسی بوده است

با توجه به اقدامات بسیار موثر انجام شده توسط دولت یازدهم در حوزه اقتصاد و کاهش نرخ تورم و کنترل نوسانات غیر منطقی کالاها و خدمات بنظر میرسد در شرایط کنونی مسئله کنترل قیمت کالاها و خدمات با اهداف و شاخص های اقتصادی تعیین کننده ای همچون: توسعه اقتصادی، بهره وری تولید و کار آفرینی و کاهش نرخ بیکاری مورد ارزیابی قرار گرفته و گرایش سیاستهای کنترلی به دخالتهای حداقلی در ارتباط با کالاهای ضروری و اساسی سوق داده شود

از این رو در این مقاله سعی شده است که تاثیر دخالت دولت در قیمت گذاری در توسعه اقتصادی، نوع آوری و کار آفرینی مورد بررسی قرار گیرد.

الف) مزایای دخالت دولت در قیمت گذاری :

با توجه به فراهم نبودن شرایط و زیر ساختهای تولیدی مناسب در برخی صنایع و آثار منفی بر جای مانده از دوران دفاع مقدس، دولتهای روی کار آمده همواره سعی بر آن داشته اند که از مصرف کنندگان حمایتهای لازم را به شکلهای مختلفی از قبیل: تثبیت و جلوگیری از افزایش قیمتها(موضوع تصویب نامه شماره 6954 سال 1380 با عنوان نظام تامین قیمت کالا و خدمات)^۴، تامین و ذخیره سازی کالاها متناسب با نیاز بازار، و خرید تضمینی برخی کالاهای استراتژیک و پرداخت یارانه به تولید کنندگان کالاهای اساسی اعمال نمایند و این امر در دولتهای نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل اهمیت برقراری عدالت اجتماعی و رفع هر گونه تبعیض و توزیع عادلانه درآمد دارای حساسیت و جایگاه ویژه ای میباشد و با اعتقاد راسخ به آرمانهای نظام، موجبات کاهش شدید اختلافات طبقاتی را فراهم نموده است.

با وقوع جنگ تحمیلی و تحت شعاع قرار گرفتن موضوعات کلان اقتصادی، دولت با ایفای نقش راهبردی با ابزارهای مختلفی از قبیل اجرای سیستم کوپنی ضمن تامین مایحتاج اساسی مردم، از مصرف کنندگان بویژه قشر آسیب پذیر در برابر نوسانات قیمت کالاها حمایت می نمود. با پایان یافتن هشت سال دفاع مقدس، دولت وقت اجرای اولین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی بعد از انقلاب را آغاز نمود و نشانه هایی از اقتصاد باز در سیاستهای دولت به چشم میخورد، هر چند که الویت دولت ساماندهی کشور پس از جنگ تحمیلی با رویکرد سازندگی بوده، اما در کنار این سیاستها سازمانهای کنترلی نظیر سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت توزیع کالا و خدمات، سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان در فرایند قیمت گذاری کالاها و خدمات نقش تعیین کننده ای داشته اند^۵ و همواره با قیمت گذاری کالاها و خدمات و اعمال نظارتها لازم در فرایند تولید و توزیع و همچنین با استفاده از برخورد های تعزیری با متخلفان سعی در برقراری دخالتهای دولت در این حوزه اقتصاد داشته اند.

با روی کار آمدن دولت اصلاحات به تعبیری اصلی تر بن دغدغه دولتمردان کاهش نرخ تورم بود که دولت وقت با اتخاذ تصمیمات صحیح اقتصادی و ایجاد ستاد بررسی و کنترل قیمتها زیر نظر معاون اول ریاست جمهوری نرخ تورم دولت سازندگی در سال 1384 را به کمتر از 13 درصد رساند.⁶ (تاریخ اقتصاد سیاسی، توسعه اقتصاد سیاسی ایران)

بررسی عملکرد دولت نهم و دهم در حوزه مورد بحث، علی رغم اجرای طرح بزرگ هدفمند سازی یارانه ها بیانگر ضرورت حضور تاثیر گذار دولت در قیمت گذاری کالاها و خدمات بوده و طبق مصوبات مربوطه " هرگونه افزایش قیمت کالاها و خدمات میبایست با هماهنگی سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان صورت پذیرد (مصوبه کارگروه کنترل بازار) که در این ارتباط یکی از دستاوردهای دولت جلوگیری از افزایش قیمت کالاها و خدمات ناشی از اجرای قانون هدفمند نمودن یارانه ها و تعدیل اثرات ناشی از افزایش قیمت حاملهای انرژی بوده است.

با توجه به اینکه به دلایل و دستاوردهای دخالت دولت در قیمت گذاری اشاره شد در بخش بعدی به تبیین عملکرد دولت با بررسی نقاط ضعف کنترل قیمت کالاها و خدمات پرداخته میشود.

ب) معایب دخالت دولت در قیمت گذاری:

چنانچه عملکرد دولتها در کنترل قیمت کالاها و خدمات را با شاخص های اقتصادی نظیر رشد تولید داخلی، افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی، کار آفرینی و افزایش اشتغال و توسعه اقتصادی مورد ارزیابی قرار دهیم، در واقع به ضعفهای آشکار دخالت دولت در قیمت گذاری پی خواهیم برد و چه بسا بعضاً " موفقیت دولت در دستیابی با هدف رساندن کالای مورد نظر با قیمتی ارزانتر به مصرف کننده از طریق تعیین قیمتی کمتر از قیمت واقعی آن کالا زیر سوال می رود.

هنگامی که قیمت یک کالا بر اساس شرایط بازار تعیین میگردد و چنانچه شرایط رقابتی برای کالای مورد نظر فراهم باشد قیمت تعادلی قیمتی خواهد بود که در آن میزان عرضه و تقاضای آن کالا برابر میباشد و اگر دولت تولید کنندگان و عرضه کنندگان را مجبور به عرضه کالای مورد نظر به قیمتی کمتر از قیمت تعادلی بنماید، قطعاً "موجبات کاهش رغبت و انگیزه تولید کنندگان به عرضه آن کالا و در نتیجه کاهش میزان آرایه شده از کالا در بازار خواهد شد، چرا که عملکرد دولت با قیمت دستوری و کنترلی شاید بتواند از عرضه آن کالا با قیمت مورد نظر تولید کننده ممانعت بنماید اما آیا میتوان ادعا نمود که تولید کننده با همان انگیزه قبلی مبنی بر انجام هزینه جهت کار آفرینی و همچنین تنوع و نوع آوری در تولید کالا را دارد؟ پاسخ این سوال روشن است و به وضوح می توان دریافت که تولید کننده در پی یافتن راهی برای کاهش قیمت تمام شده و در نتیجه دستیابی به سود مورد نظر میباشد و در این مسیر آغاز تولید بی کیفیت، تقلب در کالای تولیدی و استفاده از مواد اولیه نامرغوب امری و عدم توجه به نوع آوری در فضای موجود و عدم کار آفرینی بواسطه کاهش تولید و حفظ شرایط موجود، انکار ناپذیر میباشد.

از دیگر معایب اجرای قیمت دستوری و جلوگیری از افزایش قیمت کالاها و خدمات و قیمت گذاری بر اساس نظام عرضه و تقاضای بازار و عدم توجه به تولید با قیمت مورد نظر تولیدکننده اینست که تولید و عرضه کالای مورد نظر برای برخی از

تولیدکنندگان که با هزینه تولید بیشتر و عدم توجه به مقوله کاهش قیمت تمام شده از طریق ایجاد بهره وری و نوع آوری در تولید و شیوه های تولید با محوریت فعالیتهای واحد تحقیق و توسعه، دستیابی به سود کمتر و عدم توجه اقتصادی تولید و در نتیجه کاهش سرمایه گذاری برای تولید و کالای مورد نظر از طریق بخش خصوصی می باشد و این موضوع در دراز مدت باعث بر هم خوردن تعادل عرضه و تقاضا برای کالای مورد نظر میگردد و در این صورت همانا هدف اصلی دولت که حمایت از مصرف کنندگان میباشد نه تنها محقق نگردیده بلکه موجب بروز مشکل دیگری با عنوان توسعه نیافتگی اقتصادی نیز میگردد، بطوریکه با ایجاد کمبود در بازار ضمن ایجاد تقاضای کاذب در اثر کاهش عرضه و به عبارتی با اعمال قیمت دستوری و ارزانتر کردن کالای مورد نظر در برخی موارد با افزایش تقاضا و کاهش عرضه مصرف کنندگان انگیزه بیشتری برای مصرف آن کالا نشان میدهند، هر چند که افزایش تقاضا و کاهش عرضه بستگی به نوع کالا و بازار آن کالا دارد اما ایجاد کمبود در بازار از مهمترین مشخصه های این نوع دخالت می باشد که در چنین شرایطی به دلیل ایجاد توقع در بین مردم که کالای مورد نظر را با قیمت تعیین شده تامین نمایند از دستیابی به آن کالا محروم می شوند.

با وسیع تر شدن این حالت و بوجود آمدن صف انتظار برای دریافت کالای مورد نظر با قیمت دستوری مشکل دیگری تحت عنوان ضرورت نظارت بر توزیع عادلانه پدیدار می شود که جهت انجام این مهم حضور پر رنگ سازمانهای کنترلی در پیش گفته شده ضروری بنظر میرسد.

نکته قابل ذکر در این زمینه اینست که در خوشبینانه ترین حالت، دولت میتواند وظیفه نظارت بر توزیع عادلانه را بدرستی انجام دهد و از ایجاد تبعیض و تضییع حقوق مصرف کنندگان در صف انتظار جلوگیری نماید، هر چند که به دلیل ماهیت کمبود همواره کالا برای افرادی که در جلوی صف قرار دارند، میرسد.

صرفنظر از این موضوع نکته بسیار مهمی که در این فرایند غافل مانده است و می بایست دولتمردان به آن توجهی اساسی داشته باشند مقوله ی زمان و وقت مصرف کنندگان میباشد که در این حالت ارزش خود را از دست میدهد و چنانچه ارزش زمانی مصرف کنندگان را با معیار پولی مورد ارزیابی قرار دهیم در می یابیم که بعضی اوقات هزینه تلف شده مصرف کنندگان با در نظر گرفتن هزینه خرید کالا با قیمت مورد نظر تولیدکننده آن کالا بیشتر میباشد و در واقع مصرف کنندگان بیشتری برای تهیه کالای مورد نظر نسبت به زمانی که قیمت دستوری و مورد نظر دولت را نداشت می پردازند، هر چند که شرایط فوق بدون در نظر گرفتن مسائلی از قبیل: رانت بر خورداری از کالا به میزان دلخواه، فساد اداری میباشد و در این شرایط قیمت پرداختی مصرف کنندگان برای تامین کالا، همان قیمت مورد نظر دولت میباشد اما شکی نیست که در حق کسانی که بدلیل بر خورداری از روابط خاص و عدم پوشش تقاضای موجود، بخشی از مصرف کنندگان به ناچار قیمتی بیشتر

از قیمت تعیین شده توسط دولت میپردازند که در این حالت خود دولت از عوامل ایجاد بازار سیاه (بازار ثانوی) به شمار می آید.

صرف اموال و منابع بیت المال و دولتی در قالب بودجه سازمانهای کنترلی و نظارتی از دیگر معایب دخالت دولت در قیمت گذاری میباشد که با در نظر گرفتن ایرادات مطرح شده در قبل، چنانچه اعتقاد واقعی و عملی به نظام عرضه و تقاضای بازار در بین دولتمردان و تصمیم گیران حوزه اقتصاد و قیمت گذاری وجود داشته باشد علاوه بر کاهش اندازه دولت، میتوان از پتانسیل سازمانهای مذکور با تعریف وظایف و تکالیف جدیدی از جمله حضور در بازار بمنظور جلوگیری از عرضه کالاهای قاچاق و کالاهای تقلبی، احتکار، نظارت بر عرضه کالاهای دارای تاریخ مصرف و غیره بهره گیری نمود.

برای مصادیق توسعه اقتصادی نظریات متعددی از سوی صاحب نظران اقتصادی از جمله رستومایکل تودارو و آرتور لوییس مطرح گردیده است لیکن آنچه که مرتبط با این موضوع میباشد اینست که در توسعه اقتصادی متغیرها از نظر کیفی مورد ارزیابی قرار میگیرند، توسعه در حقیقت تغییرات کیفی یک جامعه را بیان می نماید و در رشد اقتصادی متبلور میگردد.⁷ (خطیب، 1373، ص 16)

توسعه تنها یک پدیده اقتصادی نیست بلکه فرایندی چند بعدی محسوب میشود که سازمان دهی مجدد و جهت دهی اقتصادی را شامل گردیده و به دنبال افزایش درآمد و بازدهی جامعه میباشد. توسعه اصولاً شامل تغییرات بنیادی در ساختارهای سازمان ها، جوامع و مدیریتهاست و به همان نحو در تغییرات دیدگاههای مردو و در برخی موارد سنتها و عقاید نیز قابل مشاهده میباشد.⁸ (استریتن، 1999، ص 56)

از شاخص های اصلی ارزیابی توسعه یافتگی کشور ها، تولید ملی و وضعیت اشتغال افراد جامعه می باشد که این اهداف صرفاً در راستای توجه دولت به مقوله تولید محقق میشود و لازمه دستیابی به شرایط ایده آل ایجاد بستر مناسب جهت جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی و حذف قوانین و مقررات مخل تولید میباشد بطوریکه سرمایه های بالقوه بخش خصوصی به سرمایه های بالفعل تبدیل شده و با افزایش سطح تولید و ایجاد بنگاههای اقتصادی علاوه بر کار آفرینی و ایجاد اشتغال در نهایت ضمن تامین نیاز بازار داخلی، تولیدات ملی به بازارهای بین المللی نیز راه یابد

صرف نظر از نمونه ها و شاهد های عینی تاریخی پیامد های دخالت دولت در قیمت گذاری کالاها و خدمات پرداختن به چرایی دخالت در قیمت گذاری نیز موضوعی پیچیده میباشد، اما با توجه به آنچه که گفته شد، توجیه اقتصادی کنترل قیمت کالاها و خدمات امری بسیار مهم میباشد هر چند که ادعای دولتها اساساً با شعار دخالت در بازارها انحصاری صورت می پذیرد، اما

در واقع اقدامات یک جانبه سازمانهای نظارتی و کنترلی از قبیل سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، سازمان تعزیرات حکومتی بدون مطالعه ماهیت بازار کالاها و خدمات بوده و بعضاً در بازارهایی دخالت می نمایند که رقابت شدید بین تولیدکنندگان و عرضه کنندگان کالاهای وارداتی قانونی و غیرقانونی انگیزه سرمایه گذاری در تولید را از بین برده است.

فارغ از انگیزه های پر شمار سازمانهای مذکور جهت ورود به تعیین قیمت و دخالت در امور قیمت گذاری علی رغم تصریح قوانین مربوطه همانند: قانون برنامه پنجم توسعه، سیاستهای اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری، اصل چهل و چهارم قانون اساسی متأسفانه عملکرد سازمانهای کنترلی از همسویی لازم با قوانین موضوعه بر خوردار نبوده است، بطوریکه بعنوان نمونه در فصل نهم اصل چهل و چهارم قانون اساسی "تسهیل رقابت و منع انحصار" و در ماده 44 آن مقرر گردیده "هر گونه تبانی از طریق قرار داد، توافق، و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی و یا عملی) بین اشخاص که موجب اخلال در رقابت باشد، ممنوع گردیده است" و در ادامه به مشخص کردن قیمتهای خرید یا فروش کالا یا خدمت و نحوه تعیین آن در بازار بطور مستقیم و یا به محدود کردن یا تحت کنترل در آوردن مقدار تولید، خرید یا فروش کالا یا خدمت اشاره گردیده است ۹ (اصل چهل و چهارم قانون اساسی)، اما سازمانهای کنترلی به ظاهر برای حمایت از مصرف کنندگان نسبت به اقداماتی که از مصادیق قیمت گذاری می باشند، اقدام می نمایند.

با توجه به موارد مطروحه و بررسی تاثیر دخالت دولت در قیمت گذاری در قالب معایب و مزایای موضوع و بمنظور افزایش رشد تولید داخلی و جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی بمنظور کار آفرینی و توسعه اقتصادی که از اهداف سیاستهای اقتصاد مقاومتی میباشد پیشنهاداتی بشرح ذیل با تاکید بر ضرورت بازنگری در وظایف سازمانهای کنترلی و تبعیت از مکانیسم عرضه و تقاضای بازار و حذف مقررات ذاید و مخل تولید ارایه میگردد:

- 1- بازنگری در قوانین و مقررات مختل کننده حوزه تولید و تجارت
- 2- خارج نمودن سازمانهای کنترلی از بخشهای قیمت گذاری کالاها و خدمات بازار های رقابتی بر اساس قوانین موضوعه
- 3- عدم نظارت قیمتی به کالاهای غیر حساس و غیر ضروری و واگذاری اختیار تعیین قیمت کالاها و خدمات بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا
- 4- محدود کردن قیمت گذاری کالاها و خدمات صرفاً برای بازارهای انحصاری و شبه انحصاری و مواردی که دارای سیستم یارانه ای میباشد

5- تغییر رویکرد سازمانهای کنترلی از قیمت گذاری کالاها و خدمات به همکاری با بخش خصوصی در جهت تامین نیاز مصرف کنندگان از طریق تولید داخلی و ایجاد انگیزه بمنظور جذب سرمایه گذاری در حوزه تولید جهت کار آفرینی در صنعت

6- تعریف شرح وظایف جدید سازمانهای کنترلی مرتبط با موضوعات: جلوگیری از تبلیغات غیر واقعی به منظور فریب دادن مصرف کنندگان، جلوگیری از عرضه کالاهای تقلبی، نظارت مستمر بر رعایت استاندارد کالاهای مشمول استاندارد اجباری و تشویقی ایفای نقش مشاوره ای توسط سازمانهای کنترلی برای اتحادیه ها و تشکل های حمایت از حقوق مصرف کننده

7- تسهیل شرایط عضویت در سازمان جهانی تجارت با محدود کردن دخالت در قیمت گذاری و اجازه دادن به تولید داخلی جهت رقابت با کالاهای مشابه خارجی

8- توسعه و گسترش سهم تولید ملی در مبادلات بین المللی بمنظور پایداری توسعه اقتصادی

با توجه به اینکه نظام حاکم بر کشور ایران نظام جمهوری اسلامی بوده و معیار دخالت دولت در امور اقتصادی مصالح کشور و مردم می باشد و تشخیص نهایی مصالح بر عهده ولی فقیه می باشد و اینکه در این خصوص رهبر گرانقدر سیاستهای کلی نظام را در قالب اقتصاد مقاومتی ابلاغ نموده اند، از این رو در این بخش به سیاستهای اقتصاد مقاومتی مرتبط با نقش دولت و سازمانهای کنترلی در بخش های مختلف اقتصاد، با رویکرد جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی، کار آفرینی، تولید بر پایه بهره وری، شفاف سازی نظام توزیع و قیمت گذاری (بند های 5.4، 19، 23، 10، 6 مفاد سیاستهای اقتصاد مقاومتی) پرداخته میشود:

1- مطالعه و بررسی بندهای (10 الی 1) سیاستهای اقتصاد مقاومتی به نقش تولید ملی و ارتقای سهم تولید و صادرات با رویکرد تامین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کار آفرینی و ایجاد اشتغال و بهره وری با حداکثر نمودن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تاکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط اشاره مستقیم دارد و این اهداف یعنی همان ایجاد شرایط مناسب جهت ورود بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی دارد که در این بخش دولت می تواند با فراهم نمودن شرایط ورود سرمایه های مردم و مدیریت مردم به عرصه اقتصاد و واگذاری قیمت گذاری کالاها و خدمات به بخش خصوصی بر اساس مکانسیم عرضه و تقاضا فرایند گذار از قیمت گذاری دستوری به قیمت گذاری آزاد را فراهم نماید. لازم به توضیح است که با مشخص نمودن مرز دخالت و نظارت دولت، این امر بمنزله عدم نظارت دولت در بازار نبوده بلکه دولت و سازمانهای کنترلی در برخی شرایط و

در زمانی که به هر دلیلی توازن عرضه و تقاضا از بین برود، می تواند با اتخاذ سیاستهای مختلف از جمله تامین و ذخیره سازی مناسب جهت عرضه در مقاطعی که افزایش تقاضا بوده و در صورت افزایش عرضه می تواند با ارائه تسهیلات مناسب و ایفای نقش مشاوره ای و ارائه تسهیلات در جهت ایجاد بازارهای بین المللی بمنظور صادرات کالاها و خدمات مورد نظر ضمن ایفای نقش کلیدی در تحقق اهداف سیاستهای اقتصاد مقاومتی حمایت های لازم از مصرف کنندگان و تولید کنندگان را اعمال نماید .

2- شفاف سازی و سالم سازی اقتصاد و نظام توزیع و قیمت گذاری و روز آمد شیوه های نظارت بر بازار و افزایش پوشش استاندارد برای محصولات داخلی موضوع بندهای (19،23،24) سیاستهای اقتصاد مقاومتی میباشد که نشاندهنده اهمیت نقش سازمانهای کنترلی و تاثیر گذار در حوزه قیمت گذاری میباشد که ضروری است تدوین ضوابط ومقررات جدید و کار آمد در نظام توزیع و قیمت گذاری در دستور کار وزارتخانه و نهاد های ذیربط قرار گیرد تا ضمن تحقق اهداف سیاستهای اقتصاد مقاومتی ،اختیارات لازم به بخش خصوصی جهت توسعه تولید ملی و افزایش سرمایه گذاری در حوزه مذکور بمنظور تامین نیاز داخلی و راه یابی به بازارهای بین المللی و در نهایت توسعه اقتصادی فراهم گردد.

-
- (1) آلن وود "دیکتاتور توتالتر" در استالین و استالینیزم، ترجمه محمد رفیعی مهد آبادی، چاپ اول: تهران - نشر خجسته، 1381 خورشیدی ص 71
 - (2) تاریخ اقتصاد سیاسی، توسعه اقتصادی ایران
 - (3) تصویب نامه های هیات وزیران : تصویب نامه نظام تامین و تعیین قیمت کالا و خدمات (سبد حمایتی) - مصوبه شماره 192577 مورخ 1389/8/25 کارگروه کنترل بازار
 - (4) اساسنامه سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات
 - (5) قانون برنامه پنجم توسعه
 - (6) استریتین، 1999 ص 56
 - (7) محمد علی خطیب، اقتصاد توسعه، چاپ دوم: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، سال 1373، ص 16
 - (8) قانون اجرای سیاستهای کلی اصل 44 قانون اساسی
 - (9) سیاستهای ابلاغی اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری
-